

نقش انگلستان در ایجاد بحران‌های سیاسی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ در ایران

غلامرضا خواجه سروی* - احمدرضا بردبار**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۸/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۱۸)

چکیده

پس از وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹، روابط خارجی و سیاست خارجی ایران، دچار استحاله اساسی شد و هرگونه وابستگی به قدرت‌های غربی و شرقی را در نظر (قانون اساسی) و در عمل نفی شد. از سویی دیگر، با وقوع انقلاب اسلامی، منافع قدرت‌های بزرگ در ایران نیز از دست رفت. در این میان، انگلستان، از نخستین معاندان نظام جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود. در راستی آزمایی فرضیه فوق، پژوهشگران نوشتار کنونی، حمایت‌های وسیع بریتانیا از رژیم بعث عراق در خلال سال‌های جنگ تحمیلی، حمایت از نیروهای گریز از مرکز داخل همچون سازمان مجاهدین خلق، ترغیب و تحریک اعراب حاشیه خلیج فارس علیه ایران و اعمال تحریم‌های وسیع اقتصادی و فناوریانه علیه کشورمان را مدنظر خود قرار داده‌اند. در بحران‌های سیاسی متعدد در ایران، نقش مؤثر انگلستان در التهابات سیاسی منتهی به انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ و با حجم به مشروعیت نظام جمهوری اسلامی در کانون نوشتار کنونی است. به دیگر سخن، بررسی و تبیین علمی و جامع از نقش انگلستان در بحران مدگور، رویکردها و ابزارهای بریتانیا به منظور نیل به هدف (که همان ایجاد بحران مشروعیت است) هدف نوشتار کنونی است که با استفاده از روشی تاریخی-تحلیلی و استفاده از نظریه بی‌ثباتی سیاسی دیوید ساندرز و نیز بهره‌گیری از منابع مکتوب و مجازی صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: بحران سیاسی، مشروعیت، انگلستان، جمهوری اسلامی ایران،
انتخابات ریاست جمهوری.

مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی همواره یکی از مصادیق عینی ایجادکننده بحران‌های سیاسی در ایران، کشور بریتانیا بوده است. خطراتی همچون صدور انقلاب اسلامی، تثبیت ایران به‌عنوان قوام و قدرت نخست منطقه‌ای و موارد بسیار دیگر، معیارهای بریتانیا در راستای تضعیف و تحلیل ج.ا.ا می‌توان تلقی نمود. در این میان، گذشته از بازخوردهای بحران‌های سیاسی مذکور بر جامعه نوپای اسلامی ایران، هجمه بر بنیان‌های مشروعیت نظام اسلامی را شاید بتوان مهم‌ترین و تأثیرگذارترین رویکردهای بریتانیا قلمداد نمود. از این حیث، ابزارهای متنوعی در این زمینه به کار گرفته شد که به نظر نویسندگان مقاله حاضر، ایجاد التهاب در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۸ از حیث لطمه به مشروعیت نظام، بسیار برجسته‌تر بوده است. لذا در نوشتار کنونی، پژوهشگران درصدد یافتن پاسخی متقن و علمی بدین سؤال‌اند که نقش انگلستان در التهابات سیاسی منتهی به انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ و ابزارهای عملی این کشور در این خصوص چه بوده است؟ در ادامه نیز پاسخ به برخی دیگر از سؤالات فرعی مدنظر قرار می‌گیرد. به‌عنوان مثال، بازخورد التهابات مذکور در داخل کشور و خارج از مرزهای ج.ا.ا چه بوده است. به نظر نویسندگان مقاله، برجسته‌ترین نیروی محرکه خارجی در خلال التهاب سیاسی سال ۱۳۸۸ انگلستان بوده است و هجمه به بنیان‌های مشروعیت نظام نیز مهم‌ترین مقصود این کشور می‌توان در نظر گرفت. همچنین میزان خسارت‌های مادی و معنوی التهاب مذکور در داخل و خارج کشور از لطمه به قانون اساسی گرفته تا باج‌خواهی سیاسی در پرونده هسته‌ای ایران را شامل می‌شود. روش تحقیق این مقاله، روش توصیفی-تحلیلی است. در این پژوهش به دلایل مختلف، شیوه جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و مبتنی بر اسناد، مدارک و دیگر منابع از جمله متون اینترنتی است.

چارچوب نظری

نظریه بی‌ثباتی سیاسی دیوید ساندرز مبنای نظری مقاله حاضر را تشکیل می‌دهد. از میان تعریف‌هایی که از ثبات سیاسی شده تعریف هنجاری ساندرز بیشترین قابلیت را برای تطبیق بر جامعه ایران دارد و به اتکای آن می‌توان بحران‌های ثبات سیاسی به وقوع پیوسته از سوی انگلستان در ایران را مطالعه کرد. تعریف اولیه ساندرز از ثبات آن است که «ثبات ناظر است بر فقدان نسبی برخی انواع حوادث سیاسی بی‌ثبات‌کننده که خواه به صورت تغییر در ساختار قدرت، تغییر در حکومت و خواه به صورت مسالمت‌آمیز یا حتی خشونت‌آمیز، به چالش با قدرت سیاسی موجود یا خود ساختار اقتدار سیاسی می‌انجامد» (خواجه سروی، ۱۳۸۵: ۸۵-۱۱۶).

این تعریف پیش گفته از وی یعنی:

«معیاری که بتوان به وسیله آن یک نظام سیاسی را در هر مقطع از زمان بی ثبات خواند معیاری است که با وقوع یا عدم وقوع تغییرها و چالش‌ها در هر حکومت، رژیم یا جامعه‌ای نسبت مستقیم دارد؛ یعنی آنکه تا چه حد این تغییرها و چالش‌ها، الگوی معمولی یک سیستم خاص حکومتی، رژیم یا جامعه‌ای را تغییر داده‌اند و تا چه میزان باعث ایجاد چالش در آن‌ها شده‌اند.» مسلم است که این الگو خود با گذشت زمان دستخوش تغییر می‌شود. درباره تعریف ساندرز دو نکته شایان ذکر است؛ اول اینکه منظور از حکومت مقامات سیاسی است، یعنی تصمیم‌گیرندگان اصلی که سیاست‌ها را در مقطع زمانی خاصی تعیین می‌کنند، منظور از رژیم قواعد حقوقی رسمی و غیررسمی است که حاکم بر حل مناقشات درون نظام است و منظور از جامعه سیاسی آن بخش از نظام سیاسی است که به صورت گروهی از افراد بر پایه تقسیم کار سیاسی مرتبط هستند. درک تغییر رژیم و حکومت چندان مشکل نیست و جامعه سیاسی نیز تنها موقعی تغییر می‌کند که مرزهای جغرافیایی تغییر نماید. نکته دوم اینکه سنجش میزان انحرافی که در الگوی نظام نسبت به الگوی سابق پیش می‌آید با توجه به الگوهای فضایی و الگوهای زمانی ممکن است. مفهوم الگوی فضایی بر پایه این فرض استوار است که در هر کشور خاص، در برابر هر تغییر یا چالش معینی یک الگوی رایج یا هنجار کنش و واکنش سیاسی وجود دارد و الگوی زمانی به این معناست که حتی در یک نظام خاص، الگوی متعارف در طول زمان متفاوت است. (خواجه سروی، ۱۳۸۵: ۱۰۰-۱۱۲) هر سه شاخص تغییر رژیم، حکومت و جامعه سیاسی می‌توانند به‌طور نسبی نمایانگر ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی باشند. در طول تاریخ یک‌صد ساله ایران، این کشور دچار تجزیه نشده و مرزهای جغرافیایی آن تغییر نیافته است. در سال‌های ۱۳۲۵-۱۳۲۴ به‌طور مشخص گام‌هایی برای تجزیه ایران از راه تلاش دولت شوروی برای جداسازی آذربایجان و کردستان از ایران برداشته شد اما موفقیت‌آمیز نبود. نیز در آغاز جنگ ایران و عراق، دولت عراق تلاش کرد حداقل خوزستان و کردستان را از خاک ایران جدا و دولت کردستان و عربستان مستقل ایجاد نماید که با تغییر موازنه جنگ به نفع ایران از سال ۱۳۶۰ طرح دولت عراق با شکست روبرو شد. به همین دلیل در عینی سازی مفهوم ثبات سیاسی در ایران شاخص تغییر جامعه سیاسی دخالت داده نمی‌شود اما از دو شاخص دیگر بهره گرفته می‌شود. لذا در مقاله حاضر، نویسندگان درصددند تا با استفاده از تئوری بی‌ثباتی سیاسی ساندرز، نقش انگلستان در ایجاد التهابات سیاسی منتهی به انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ را در ایران مورد واپژوهی قرار دهند.

پیشینه موضوع

در خصوص، سابقه فعالیت‌های سیاسی انگلستان در وقایع مرتبط با التهاب سیاسی سال ۸۸ و حتی دوره‌های پیشین، کتب و مقاله‌های بسیاری چاپ شده است. در ادامه عنوان نمونه‌هایی از این مقاله‌ها ذکر می‌شود:

وقوفی، امید، (۱۳۹۲)، امینی، پرویز، (۱۳۸۹)، اسماعیلی، حمیدرضا، (۱۳۹۱)، مولانا، حمید، (۱۳۸۹)، پورفرشاد، مهدی، (۱۳۹۰)

همان‌طور که اشاراتی شد در خصوص فعالیت‌های سیاسی انگلستان در ایران، کتاب‌های بسیاری منتشر شده است که هر یک به نقد و بررسی یکی از بحران‌ها یا رویدادهای سیاسی پرداخته‌اند؛ اما در مقاله حاضر مقصود نویسندگان ارائه تصویری علمی و عینی از مهم‌ترین بحران‌های سیاسی ایجاد شده از سوی انگلستان در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ است. این موضوع با توجه به نوآوری آن، می‌توان در ابعاد داخلی و خارجی و تفکیک جز به جز از اقدامات سلسله مراتبی انگلستان دانست که در ذیل جامعه‌شناسی تاریخی قرار می‌گیرد. در نهایت می‌توان از این طریق، بیشترین خسارت‌های سیاسی و... را که انگلستان بر جامعه ایران وارد نمود، بررسی کرد.

تأثیر انگلستان در ایجاد التهابات سیاسی در انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۱۳۸۸

همان‌طور که اشاره شد، در راستای تحلیل بحران‌سازی‌های سیاسی انگلستان در خلال انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ با رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی، ابتدا باید بسترها و زمینه‌های ایجاد چنین بحران‌هایی از سوی انگلیس بررسی شود. سپس، ابزارهایی که انگلستان در این خصوص مستمسک خود قرار داده است مورد واکاوی قرار گیرد و اقدامات سلسله‌مراتبی‌ای که در راستای ملت‌هت‌نمودن اوضاع سیاسی ایران انجام داده است، اهداف مدنظر انگلیس و نهایتاً بازخوردهای آن بر جامعه ایران بررسی شود. در این خصوص، ابتدا باید با نگرشی علمی و عینی به تبیین مهم‌ترین بسترها و عواملی که زمینه‌ساز حضور انگلستان در انتخابات سال ۸۸ شد پرداخت و در ادامه به تحلیل دیگر موارد اشاراتی نمود. پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در ایران و پیروزی اصولگرایان، مواضع خصمانه انگلیس و دیگر متحدان غربی نسبت به انتخابات مذکور آغاز شد. رسانه‌های انگلیسی به ویژه بی‌بی‌سی فارسی و لاتین در طول ایام انتخابات، چند رویکرد که همه با هدف به کارگیری استراتژی مقابله با دولت

نهم بود را پیگیری کردند. ابتدا فعالیت‌های آن‌ها در جهت فضا سازی متناسب با تحولات صحنه شکل گرفت اما جهت اصلی، سوق دادن مردم به سمت بی تفاوت سازی و عدم اهمیت برگزاری انتخابات سیر می نمود. این روند تا پرشور شدن هرچه بیشتر فضای انتخاباتی در کشور ادامه داشت اما رسانه‌های انگلیسی که به عنوان ابزار اجرایی سیاست‌های مداخله جویانه دولت بریتانیا فعالیت می نمایند ناچار به تغییر رویکرد و تلاش برای مصادره فضای سیاسی کشور در جهت اهداف خود شدند. در این مقطع، رویکرد آن‌ها در نقش سخنگویی مشارکت مردمی و استقبال عمومی ظاهر شد و از طریق کمپ دو نامزد هماهنگی سیاسی- روانی بخشی از جامعه را بر عهده گرفتند. جالب آنکه اهمیت انتخابات ایران برای لندن تا آن حد بود که مجموعاً ۵۵ خبرنگار از رسانه‌های انگلیس تحت عنوان پوشش انتخابات به ایران سفر کردند. این گروه ۵۵ نفره رسانه‌ای پس از پایان برگزاری انتخابات به دلیل آنکه مقصود بریتانیا محقق نگردید، سخنگویی جریان تعرض و سپس اغتشاش را بر عهده گرفتند (امینی، ۱۳۸۹: ۲۸-۵۶). به دیگر سخن، با اعزام تیم رسانه‌ای انگلستان، نخستین جرقه‌های چالش‌های خشونت آمیز در حال شکل گرفتن بود. همچنین، در این مقطع انگلستان با استفاده از تصاویر دوربین‌های غیرحرفه‌ای اغتشاشگران، دامنه تبلیغات آن‌ها را به حوزه‌های بین‌المللی کشاند و زمینه را برای اظهار نظر مقامات انگلیس که همه امور رسانه‌ای را در پنهان مدیریت می کردند و سایر مقامات اروپایی هموار ساختند در واقع نقض آشکار و دخالت در امور داخلی ایران را می توان دومین بحران سیاست‌های عمل‌گرایانه انگلستان در آن اوان تلقی نمود.

الف) رویکردهای انگلستان در ایجاد آشوب در التهاب انتخاباتی سال ۱۳۸۸

۱) نخستین ابزار و رویکرد انگلیسی با هدف خدشه‌دار نمودن مشروعیت و هویت انقلاب اسلامی که می توان تطابق آن را در چالش‌های مسالمت آمیز، خشونت آمیز و تغییر رژیم در تئوری بی ثباتی سیاسی دیوید ساندرز مشاهده نمود، ابزارهای رسانه‌ای انگلستان است که می توان آن را ذیل ابزارهای یک واقعه سیاسی در رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی تلقی نمود. واقعیت این است که شبکه‌های فارسی و انگلیسی بی بی سی به عنوان سردمداران موج جدیدی که هدف را در مشوش نشان دادن نتایج انتخابات و ضربه به مشروعیت نظام و انتخابات بود، آغازگر چالش‌های مسالمت آمیز در قالب بیانیه‌ها به شمار رفته و دور جدید جنگ روانی سیاسی را آغاز کردند و با بستر سازی‌های مناسب و در برهه‌های زمانی برنامه ریزی شده، اهداف خود را طرح و اجرا نمودند و به تدریج بسترهای مورد نیاز را برای ایجاد بحران‌های سیاسی فراهم نمودند. در این خصوص، تجهیزات شبکه فارسی بی بی سی قبل از آغاز تظاهرات عده‌ای

در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران در لندن نصب می‌شود، از ده‌هزار نفری که در انتخابات شرکت کرده‌اند تنها چندصد نفر که چهره بسیاری از آن‌ها به‌عنوان معاندان نظام شناخته شده است حضور می‌یابد اما شبکه بی‌بی‌سی فارسی لحظه‌به‌لحظه در جهت مشوش نشان دادن نتایج انتخابات آن را پررنگ پخش می‌نماید. ناگفته نماند این تعداد کم هم برای یک جریان خاص فعالیت تبلیغاتی می‌کردند، سازمان‌دهی می‌شوند. البته این بار سیاست انگلیس، بسیج چهره‌هایی است که می‌پندارند می‌توانند به‌عنوان اعضای اتاق فکر در روند رأی‌گیری مردم مؤثر باشند ولی عملاً نتیجه‌ای در بر نداشت، بنابراین امروز به دلیل ناکامی در نتیجه انتخابات سیاست دولت انگلیس و رسانه‌های این کشور این است که حتی اگر صحنه توسط مخالفین واگذار شود باید از ایران سیمایی مشوش و از دولت چهره‌ای سرکوبگر به خارج منعکس گردد (زابلی زاده، ۱۳۹۰: ۹۶-۱۰۰).

در همین راستا روزنامه تایمز می‌نویسد: «آنچه در ایران رخ داده کودتایی علیه کودتا بوده است». میلیبند وزیر امور خارجه این کشور می‌گوید: «ایران را باید همچنان در قبال دل‌نگرانی‌های بین‌المللی درگیر نگه داشت. همچنین بیان داشت که: ملازمات حوادث اخیر در ایران را با نگرانی جدی دنبال می‌کنیم» (جاوید، ۱۳۹۰). به‌طور کلی باید گفت سیاست انگلیس قبل، حین و بعد از انتخابات ایجاد موج نرم علیه حاکمیت و نظام اسلامی در راستای سیاست‌های اجرایی آن‌ها که عدم توفیق محمود احمدی‌نژاد برای دور بعدی ریاست جمهوری است طراحی شده؛ اما تاکنون با وجود ایجاد طیف وسیعی از بحران‌های سیاسی نتوانسته به آن دست یابد. شبکه فارسی بی‌بی‌سی بی‌تردید یکی از اصلی‌ترین ابزارهای آشوب‌های آن ایام بود. شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی در رأس همه رسانه‌های معاند با نظام جمهوری اسلامی، با ادعای اطلاع‌رسانی لحظه‌به‌لحظه از انتخابات دهم ریاست جمهوری عملاً به پایگاه انتشار تحلیل‌های ساختگی و برانگیختگی اجتماعی در ایران تبدیل شده است. آنچه در ایام پرتنش انتخابات ریاست جمهوری ملموس به نظر می‌رسید وجود این نکته بود که شبکه فارسی بی‌بی‌سی به منظور انجام شبکه براندازی نرم و با حمایت نیروی انسانی و مالی جریانی در داخل راه‌اندازی شده است طی روزهای منتهی به انتخابات و پس از آن عملاً به اثبات رسید (زابلی زاده: ۱۰۴-۱۱۹). نکته جالب توجه در این است که بی‌بی‌سی به‌رغم دریافت بودجه ۱۵ میلیون پوندی (۲۲ میلیون دلاری) وزارت امور خارجه انگلیس، قبل و پس از راه‌اندازی همواره به کسری بودجه و اعتراض مردم مالیات‌دهنده بریتانیا روبه‌رو بوده است، این در حالی است که در آن ایام مبادرت به افزایش پخش برنامه‌های زنده خود کرده، به‌طوری که مطابق روال قبلی برنامه‌هایش را تا پایان شمارش آرا و اعلام نتایج در قالب میزگرد، وب‌گردی، گفت‌وگو با کارشناسان، ارتباط

مستقیم و... ادامه داد (محمدزاده، ۱۳۸۹: ۱۲۵-۱۸۸). بی‌بی‌سی که در طول دوره فعالیت خود در آستانه انتخابات و پس از آن دقیقاً و دائماً با تغییر شیوه‌های خبری به یکدیگر، اهداف شبهه‌سازی، بحران‌افکنی و هدایت افکار عمومی به انگیزتگی و نضج آشوب را هدایت کرد بحران‌هایی که می‌توان دقیقاً در تئوری‌های بی‌ثباتی سیاسی ساندرز مشاهده نمود. این شبکه، پیشاپیش در اخبار و تحلیل‌های به‌اصطلاح کارشناسان سیاسی مسائل ایران، بحث تقلب را تئوریزه کرده و قاطعانه بر آن پای می‌فشرد که چنانچه اصولگرایان در انتخابات ریاست جمهوری بر مسند قدرت بنشینند، در صحت برگزاری انتخابات باید تردید نمود (تکبیری، ۱۳۹۰: ۶۸-۱۲۶).

بی‌بی‌سی در چارچوب سیاست‌های عمل‌گرایانه خود، در قالب برنامه‌های زنده، بلافاصله پس از اعلام آمارهای غیررسمی از منابع داخل ایران پروژه تقلب در انتخابات را با حضور معاندین نظام جمهوری اسلامی نظیر فرخ نگهدار (رئیس سازمان فدائیان خلق) و صادق صبا (تحلیلگر سیاسی) کلید زد و پس از این به‌تناوب انتشار خبرهایی از ایران، ارتباط مستقیم و با استفاده از کارشناسانی مانند جمشید برزگر، هاشم احمدزاده، احمد سلامتیان، سعید برزین، مسعود بهنود و... در استودیو و افرادی از احزاب و گروهک‌های داخل ایران هرلحظه به موازات اعلام آرای محمود احمدی‌نژاد، بر حملات و تثبیت و تلقین تقلب در انتخابات افزود و با اعلام نتایج قطعی انتخابات دور جدیدی از بحران‌ها، اغتشاشات و آشوب‌هایی که هرکدام مشروعیت نظام اسلامی را نشان قرار داده بود، آغاز نمود. نهایتاً باید افزود نقش رسانه‌های قدرتمند انگلستان در ایجاد التهاب انتخاباتی سال ۸۸، هجمه‌ای همه‌جانبه به اصل و بنیان نظام اسلامی به شمار می‌رفت که با همکاری همه دشمنان خارجی و نیز اهمال برخی از نخبگان سیاسی در داخل، بسترهای وقوع التهاب مذکور سهولت یافت (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹: ۵۲۰-۵۶۸). همان‌گونه که مشاهده گردید، در راستای ایجاد بحران‌های سیاسی از سوی انگلستان در دوران انتخابات به سهولت می‌تواند در تطابق با جامعه‌شناسی تاریخی قرار بگیرد. از یک‌سو ابزار روش مذکور، رسانه‌های قدرتمند بریتانیا بوده، از سویی دیگر، اهداف آن هجمه گسترده به بنیان‌های مشروعیت جمهوری اسلامی ایران بوده و درنهایت نیز گستره‌ای از اقدامات سلسله‌مراتبی و در بستر معینی از زمان در این خصوص صورت پذیرفت.

۲) رویکرد دوم انگلستان که به‌مثابه ابزاری کارکردگرا به‌خوبی نضج و هدایت بحران‌ها را در ایام انتخابات اجرا نموده بود سفارت انگلستان بوده است که در انطباق عینی با جامعه‌شناسی تاریخی قرار می‌گیرد. سفارتی که مرکز طراحی بحران‌های سیاسی و کانون بی‌ثباتی‌ها بوده است آن‌گونه که ساندرز بیان می‌دارد. سفارت انگلیس در این راستا نیز از ابزارها، سلسله اقدامات مؤثر

بهره برده است. مثلاً نزدیک شدن به احزاب سیاسی و نخبگان، اعزام دیپلمات‌ها و کارمندان محلی به سفرهای استانی، تماس با برخی ستادهای انتخاباتی کاندیداها در شهرستان‌ها، ارتباط گیری با مردم منطقه، ارتباط گیری با اصحاب رسانه و مطبوعات و NGOها، به منظور جمع آوری اطلاعات و آماده سازی آنها برای همکاری با سرویس آن کشور همگی در این خصوص شایان ذکر هستند؛ البته این ارتباط در لایه‌های رویی صرفاً با افراد سیاسی برقرار می‌شود. لذا نباید از ارتباط عمیق سفارت با سازمان‌های مردم‌نهاد، جریان‌های سیاسی خارج از نظام، جریان‌های شبه‌دینی معارض، عرفان‌های نوظهور و فرق صوفیه و... نیز غفلت نمود (سهراب پور، ۱۳۸۹: ۳۶-۴۹). در سال‌های منتهی به انتخابات دهم ریاست جمهوری، علیرغم تعطیلی مراکز بریتیش کانسیل، دفاتر روترز و بی.بی.سی، بخش اصلی وظیفه ارتباط گیری با جامعه ایرانی به سفارت سپرده می‌شود که با پیگیری سفیر وقت انگلستان، سایمون گس، به شدت اجرا می‌شود (محمدی، ۱۳۸۹: ۱۶۴-۲۲۰).

همچنین سفارت انگلستان در آن اوان مأمّن خبرنگاران خارجی در راستای اهداف کودتای مخملی در زمان انتخابات و پس از آن کار جنگ روانی، شایعه‌سازی، القای اکاذیب انتخاباتی به شمار می‌رفت. در این راستا سفارت و شبکه بی‌بی‌سی در یک همیاری نزدیک اقدامات خود را سازمان‌دهی و به منصفه اجرا گذاردند. شبکه بی‌بی‌سی فارسی با دو تاکتیک وارد فضای انتخابات ایران شد. نخستین تاکتیک، تشویش جمعی بود که بر اساس آن سعی شد پیام‌ها از محتوا تهی شده و ارزش‌های خبری دیگری در اذهان شکل بگیرد. تاکتیک دیگر این رسانه، تزریق التهاب بود که با استفاده از این شگرد، پیام‌های هدف گذاری شده به بینندگان و مخاطبان القا می‌شد. رسانه‌های انگلیسی به ویژه بی‌بی‌سی انگلیسی و فارسی، در طول چند ماه قبل از انتخابات چند رویکرد که همه در راستای استراتژی مقابله با دولت نهم بود را دنبال کردند. برجسته ساختن انتقادات علیه دولت و بیان این نکات که دولت موجود در سیاست هسته‌ای خود موفق نبوده، وضعیت اقتصادی نامطلوب، خرافه گرایی، افتتاح نمایشی پروژه‌ها، دروغ‌گویی دولت و... از عمده محورهایی بود که به همان شیوه تزریق زیرپوستی در برنامه‌های این شبکه دنبال شد. پس از فضا سازی صورت گرفته همیشگی مبنی بر عدم مشروعیت نظام، عدم مقبولیت مردمی و خستگی مردم و...، اما به یک باره این رسانه‌های تغییر رویه دادند. در واقع با گسترش تب و تاب انتخابات در کشور و حضور چهره‌های انتخاباتی با آراء و نظریات سیاسی متفاوت، تلاش برای مصادره فضای سیاسی کشور به دستور کار این رسانه‌ها تبدیل شد. آن‌ها سعی کردند تا با القاء بحث تقلب و فرمایشی بودن انتخابات در ایران و با دادن اخبار و تحلیل‌های غیر کارشناسی، بحث تقلب را تئوریزه و بر آن پای فشاری کنند تا چنانچه احمدی‌نژاد رأی بیاورد

تردیدی در تقلب وجود نداشته باشد. بی‌گمان در این میان نقش اصلی در خط‌دهی به رسانه‌هایی چون بی‌بی‌سی، بر عهده سفارت بود. حسین رسام در این باره می‌گوید: «گزارش‌هایی در تهران تهیه می‌شد که برای وزارت خارجه انگلیس ارسال می‌گردید که برخی از آن‌ها تبدیل به سیاست‌ها می‌شد و توسط شبکه بی‌بی‌سی اجرا می‌شد. شبکه بی‌بی‌سی در جهت رواج برخی القائات مانند تقلب در انتخابات، تلاش‌هایی را انجام داد» (زابلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۰۰-۱۰۵). لذا، فعالیت‌های خاص سفارت انگلستان در این زمینه که می‌توان آن را ذیل ابزارهای روش جامعه‌شناسی تاریخی قرار داد عبارت‌اند از:

- اعلام انتظار وقوع حوادث غیرمنتظره در ارتباط با مسئله انتخابات ریاست جمهوری دهم با برگزاری تظاهرات ناگهانی خشونت‌آمیز در ایران از سوی دیپلمات‌های انگلیسی در اسفند ۸۷ به کسانی که قصد سفر به ایران دارند (چالش‌های خشونت‌آمیز).

- برنامه‌ریزی برای انتشار اخبار کذب تقلب و سلب‌کننده اعتماد، مانند شایعات شنود تلفنی (چالش‌های مسالمت‌آمیز).

- برنامه‌ریزی برای سامان‌دهی نیروها، مانند دوره آموزشی اعضای کانون و کلا با موضوع حقوق شهروندی، جرائم سایبری و نظارت بر انتخابات، اعزام گروهی از خبرنگاران به بریتانیا جهت ارائه آموزش‌های لازم در راستای نظارت بر روند انتخابات (چالش‌های مسالمت‌آمیز).

- تشکیل کارگروه برای مانیتور خبر و تحولات روزانه کشور.

بخش مهم دیگر بحران سازی انگلیس در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ در ایران، پوشش خبری رسانه‌های بریتانیا بود که در این راستا اهداف ذیل طراحی گردید:

- جلسات بخش سیاسی هفته‌ای دو روز جهت جمع‌بندی اطلاعات و اخبار جمع‌آوری شده با حضور رئیس بخش آلکس پنفلد^۱ و توماس برن^۲ «در سفارت در این زمینه جلسات روزانه داشتیم که اخبار و اطلاعات جمع‌آوری شده بعد از دسته‌بندی شدن به لندن ارسال می‌شد. این کار به‌طور منظم با حضور دیپلمات‌ها صورت می‌گرفت و از تهران و شهرستان‌ها اطلاعات و اخبار لازم جمع‌بندی می‌شد» (مهدی‌پور، ۱۳۹۰: ۷۴-۱۴۸).

- سفر به شهرهای مختلف و حضور کارکنان سفارت در ستادهای انتخاباتی.^۳

- هدایت فضاهاى بحران: در این فضا نقش سفارت به زمینه‌سازی و گفتمان‌سازی برای جریان بحران انتخاباتی مبدل می‌شود چراکه به نظر آنان، اکنون زمان آن است تا از ارتباط‌گیری‌های گذشته با جامعه هدف ایرانی بهره‌برداری نمود. نقش دیگر جمع‌آوری

1. Alex.Penfold
2. Thomas Bern

۳. اعترافات رسام تحلیل‌گر ارشد سفارت انگلستان در دادگاه متهمان حوادث پس از انتخابات.

اطلاعات و حضور در صحنه برای بخشیدن ابعاد بین‌المللی به اغتشاشات مربوط به انتخابات است. پس از انتخابات سفارت به‌طور دائم کارمندان محلی خود را به صحنه‌های درگیری گسیل نموده و ضمن جمع‌آوری اطلاعات، تماس با احزاب سیاسی و تبادل تحلیل‌ها و دیدگاه‌ها در دستور کار قرار می‌گیرد.^۱

- با گذر زمان و حرکت به سمت لحظات سرنوشت‌ساز انتخابات، مجموعاً ۵۵ خبرنگار از رسانه‌های انگلیس تحت عنوان پوشش انتخابات به ایران سفر کردند. با توجه به دامنه فعالیت‌های متعارف و نامتعارف دیپلمات‌های محلی بریتانیا در ایران، شاید بتوان لندن را پیشگام دیپلماسی عمومی دولت‌های سلطه‌جوی خارجی در تاریخ ایران دانست.

- سفارت به خط‌دهی انتشار اخبار کذب مبنی بر تقلب در انتخابات پرداخته و ضمن اعلام ساختگی و جعلی بودن آراء، اغتشاشات و تجمعات غیرقانونی را به‌عنوان اعتراض و حق مردم مطرح می‌نمود (چالش‌های خشونت‌آمیز).

- حضور الکس، دبیر اول سیاسی سفارت، در ستاد آقای موسوی و گفتگو با مسئولان تبلیغاتی و مشاورین وی و هم‌چنین جلسه با اعضای حزب اعتماد ملی در مراحل قبل از انتخابات و بعد از اغتشاشات (قدیانی، ۱۳۸۹: ۲۲۰-۲۹۰).

- فعالیت گسترده اطلاعاتی در جمع‌آوری اطلاعات از ناآرامی‌ها اغتشاشات، تحرک قسمت عمده‌ای از دیپلمات‌ها و کارمندان محلی سفارت در صحنه اعتراضات خیابانی، حضور آلکس پینفلد (دبیر اول سیاسی) و توماس برن (دبیر دوم سیاسی) سه روز پس از انتخابات، حضور ساموئل مورگان دیپلمات روابط عمومی چهار روز پس از انتخابات، حضور پاول بلامی معاون ویزا در همان زمان، حضور دومینک دبیر سوم با لباس سبز در میان تجمع کنندگان و ... نهایتاً تشکر سایمون گیس از کارمندان محلی سفارت به خاطر ارسال گزارش‌های جریان تظاهرات.

- تلاش و خط‌دهی برای استمرار اغتشاشات و تجمعات غیرقانونی به‌ویژه پس از اقامه نماز جمعه تاریخی ۲۹ خرداد.

- هدایت برای عدم مشارکت آشکار و تابلودار گروهک‌های اپوزیسیون و تفکیک اعتراضات از خط خشونت و در قالب نافرمانی مدنی.

- اعزام مسافرانی که با اهداف خاص اطلاعاتی و امنیتی به ایران می‌آمدند، این تحرک به حدی افزایش یافت که پرواز معمولی و کوچک لندن به تهران به یک هواپیمای جیمبوجت بوئینگ ۷۴۷ تبدیل شد (متکی، ۱۳۸۸). از طرفی دیگر، وزیر وقت اطلاعات نیز به تحرکات نیروهای محلی انگلیس در صحنه اغتشاشات پس از انتخابات این‌گونه اشاره می‌کند: «از جمله

۱. اعترافات رسام تحلیل‌گر ارشد سفارت انگلستان در دادگاه متهمان حوادث پس از انتخابات.

کارهایی که این سفارتخانه انجام داده این بود که تحت پوشش نیروهای محلی، افرادی را در بین اغتشاشگران می‌فرستاد و مطالب مدنظر خود را هم به آن‌ها و هم به جامعه القا می‌کرد. آن‌ها با استفاده از بعضی اغتشاشگران احياناً اخباری را در این زمینه جمع‌آوری می‌کردند که تعدادی از کسانی که به صورت مشخص در این اغتشاشات بودند شناسایی و از آن‌ها فیلم و عکس تهیه شده است.^۱ متکی وزیر وقت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران نیز با اشاره به مداخلات انگلیسی‌ها در انتخابات ایران گفت: «انگلیس در سه سطح رسانه‌ای، اطلاعاتی و امنیتی از مدت‌ها پیش انتخابات ایران را هدف گرفته بود. نخستین خطی که آن‌ها در پیش گرفتند تحریم انتخابات و القای آن در داخل ایران بود تا کسی مشارکت نکند.»^۱ همان‌گونه که مشاهده شد، ابزارها و اقدامات سلسله‌مراتبی انگلستان که در انطباق رویکردهای جامعه‌شناسی تاریخی قرار می‌گیرد، در راستای ایجاد بحران مشروعیت صورت پذیرفت. با پایان بُعد داخلی التهاب سیاسی پس از انتخابات، اخراج دو دیپلمات سفارت، «توماس جوزف برن»؛ دبیر دوم سیاسی و «پل ویلیام بلامی»؛ معاون ویزا و نیز طرح کاهش روابط با انگلستان، در دستور کار سیاسی دولت جمهوری اسلامی قرار گرفت؛ اما با ملتهب‌تر شدن بحث تحریم و فشارهای غرب برای سازش ایران در پرونده هسته‌ای، دوباره روند فعالیت سفارت انگلستان پیگیری شد و این بار حضور و همکاری سرویس اطلاعاتی انگلستان (MI6) بیشتر و عیان‌تر می‌شود (اخوان، ۱۳۸۹: ۲۱۵-۲۱۹). این سرویس بازخورد تحریم‌ها در نظام اقتصادی و سیاسی کشور را در دستور کار خود قرار داده و ادامه روند مذاکرات هسته‌ای و تشدید فشارهای بین‌المللی در این خصوص را منوط به رصد تأثیر تحریم‌ها می‌نماید. با تغییرات در سطح مدیریت سرویس اطلاعاتی انگلستان (MI6)، این روند وارد مرحله جدیدی از برخورد سخت‌الته از نوع هوشمند خود نیز می‌شود. تلقین هدفمند انزوای ایران، برنامه نظامی در روند هسته‌ای کشور، خیرخواه بودن بریتانیا و کشورهای دیگر، ضرر شدید تحریم‌ها برای ایران و ... در کنار فضای همدلانه موجود، نشانگر تلاش جدی در گفتمان سازی برای مخالفان داخلی و ایجاد یک فضای تبلیغاتی خارجی علیه کشورمان، توسط سفارت انگلیس صورت پذیرفت. استجان ساورز رئیس سرویس امنیت خارجی انگلیس در یکی از سخنرانی‌های خود تأکید کرد که فعالیت‌های اطلاعاتی و جاسوسی می‌تواند ایران را از ادامه فعالیت‌های هسته‌ای باز دارد (ثابتی منفرد، ۱۳۹۰: ۱۵۹-۲۴۴). توقف تکثیر تسلیحات هسته‌ای تنها از طریق دیپلماسی متعارف امکان‌پذیر نیست. ما به عملیات اطلاعاتی نیاز داریم تا ساخت تسلیحات را برای کشورهایی چون ایران دشوار کنیم.^۲

۱. مصاحبه وزیر اطلاعات وقت، ۳۱ خرداد ۸۸.

۲. خبرگزاری فارس، اعتراف "MI6" به جاسوسی در ایران-۶ آبان.

شهید علی محمدی و فازهای تبلیغاتی پس از ترور ایشان و سپس ترور شهید شهریار در این روند قابل تحلیل هستند که همگی علاوه بر خدشه‌دار نمودن مشروعیت نظام بوده بلکه چالش‌های خشونت‌آمیز مدل ساندرز از نوع ترور و قتل را نیز شامل می‌شود. بی‌گمان پرداختن به ابعاد تلاش‌های انگلستان در جریان سازی، آشوب افکنی، القای تردید، خط‌دهی دیپلماتیک و فشار سیاسی به جمهوری اسلامی ایران در مقطع قبل و بعد از انتخابات ۸۸ را نمی‌توان در یک بخش کوتاه تبیین و تفسیر نمود اما می‌توان در یک تحلیل کلی و به شکل خلاصه هماهنگی و انسجام تلاش‌های انگلستان در برافروختن آتش التهاب را مورد اشاره قرار داد. تحلیل عملکرد انگلستان در این مقطع و بر ضد ملت ایران، جز با نگاهی به اصول سیاست خارجی این کشور، پیوند محافل صهیونیستی با رئوس تصمیم‌گیرنده سیاست خارجی انگلستان و نیز سابقه تاریخی عداوت و استعمارگری انگلستان با جامعه ایران، قابل تحلیل نیست.

در این بخش، نشان داده خواهد شد که اولاً، اولویت‌های سیاست خارجی غرب و به تبع آن انگلستان، بسیار بیشتر از گذشته به سوی بهره‌گیری از قدرت نرم و دیپلماسی عمومی کشیده شده است و ثانیاً باید به این نکته توجه داشت که فشارهای سیاسی، تلاش‌های اقتصادی و نیز اقدامات فرهنگی انگلستان علیه ایران اسلامی، بایستی در یک چارچوب کلی و در کنار هم مورد بررسی قرار گیرد. در این میان البته نقش سفارت انگلستان، نقشی تبعی خواهد بود. ولیکن عملاً مشاهده کردیم که در مقطع حساس انتخابات با توجه به توالی سریع اتفاقات و نیز با توجه به این اینکه سفارت انگلستان یگانه پایگاه رسمی نفوذ در درون جمهوری اسلامی بود، نقش این سفارت بسیار مورد توجه و محل اثرگذاری واقع شد. اکنون بررسی و تحلیل مهم‌ترین تأثیرات و بازخوردهای حضور انگلستان در انتخابات سال ۸۸ مورد بررسی قرار می‌گیرد. تاکنون طبق رویکردهای جامعه‌شناسی تاریخی، تبیین مهم‌ترین بسترها و ابزارهای انگلستان در التهاب سیاسی سال ۸۸ مدنظر بوده است، لکن اکنون بررسی مهم‌ترین بازخوردهای چنین حضوری در سطح داخلی و بین‌المللی مدنظر نویسندگان قرار دارد. بررسی بازخوردهای حضور انگلیس در انتخابات سال ۸۸ از سوی نویسندگان در دو بُعد خارجی و داخلی صورت گرفته است و در هر یک از بخش‌های مذکور نیز، در نهایت نمودارهای نشان‌دهنده شدت و تأثیر بازخوردهای حضور انگلستان در انتخابات سال ۸۸ بوده ترسیم شده است.

بازخورد حضور انگلستان در التهابات انتخاباتی سال ۸۸ بر جامعه ایران در ابعاد خارجی

در بعد خارجی، نویسندگان مقاله کنونی، چهار عامل گسترش دامنه فشارها و تحریم‌ها،

باج‌خواهی در پرونده هسته‌ای ایران، تغییر رفتارهای دیپلماتیک انگلیس و غرب در قبال ایران و نهایتاً تحریک اعراب به اتخاذ مواضع چالش‌انگیز علیه ایران را مهم‌ترین بازخوردهای حضور انگلیس در انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ می‌دانند. بازخوردهایی که آخرین مرحله از فرآیند جامعه‌شناسی تاریخی به شمار می‌رود.

* افزایش فشارها و تشدید تحریم‌ها (چالش‌های مسالمت‌آمیز و خشونت‌آمیز)

به عقیده نویسندگان، نخستین بازخورد حضور انگلیس در التهابات انتخاباتی سال ۸۸ گسترش دامنه فشارهای سیاسی و تشدید تحریم‌های اعمال‌شده علیه ج.ا.ا بوده است. از همین رو، راهبرد تحریم و فشار در سال‌های پس از التهاب انتخاباتی سال ۸۸ روند فزاینده‌تری یافت (خالوزاده، ۱۳۹۰: ۵۰-۷۱). در واقع بحران سیاسی منتج از انتخابات سال ۸۸ این اندیشه را در میان دست‌اندرکاران و مقامات انگلیسی- غربی ایجاد کرد که با فشارهای بیشتر می‌توانند تزلزل را در ایران تقویت کرد و گسترش دامنه نارضایتی‌های مردمی و اعتراضات آنان را به همراه آورد. از این رو، باراک اوباما رئیس‌جمهور دموکرات در ابتدای ریاست خود و با وجود شعار تمایل به همکاری با ایران در مارس ۲۰۰۹، با تمدید شرایط اضطراری و خطر ایران، تحریم‌های ایالات متحده علیه تهران را که به موجب قانون اعمال قدرت اقتصادی در شرایط اضطراری بین‌المللی (IEEPA) عمل می‌کرد، به مدت یک سال دیگر تمدید کرد. در سال ۲۰۱۰ نیز قانون جامع تحریم‌ها، مسئولیت‌پذیری و محرومیت ایران (CISADA) از سوی انگلیس و غرب تصویب و به اجرا گذاشته شد که شامل تحریم انرژی، بانکی و فروش بنزین به ایران می‌شد. تحریم‌های مذکور، می‌توانست با گذر زمان و گسترش ابعاد نارضایتی‌های داخلی در قالب چالش‌های مسالمت‌آمیز و خشونت‌آمیز بسترهای لازم جهت بحرانی‌تر نمودن شرایط سیاسی را در داخل کشور فراهم آورد. یکی دیگر از پیامدهای بلافصل مداخله و ایجاد آشوب در درون نظام جمهوری اسلامی از سوی انگلیس را می‌توان در اجرای تصمیمات شورای امنیت در خصوص ایران به سوی تحریم‌های فراقطعنامه‌ای ناشی از تصمیمات شورای امنیت دانست که مجموعه‌ای از تحریم‌های نظامی، صادراتی و وارداتی، سرمایه‌گذاری، مسافرت، حمل‌ونقل، همکاری‌های فنی و برخی موارد دیگر را در برمی‌گیرد (صدقی و چراغی، ۱۳۹۱: ۱۳۳-۱۵۸).

* باج‌خواهی سیاسی در پرونده هسته‌ای ایران (چالش‌های مسالمت‌آمیز)

از دیگر تأثیرات التهاب انتخاباتی سال ۸۸، می‌توان به تأثیرات سوء آن بر روند مذاکرات هسته‌ای ایران اشاراتی نمود. تا پیش از بروز اغتشاشات انتخاباتی روند عقب‌نشینی‌های انگلیس و

غرب در زمینه مسئله هسته‌ای ایران با سرعت بیشتری در حال اجرا بود، به نحوی که پیش از انتخابات مذکور، در نامه‌ای از سوی رهبران سیاسی غرب به رهبر انقلاب بیان می‌شود که مسائل منطقه و بین‌الملل بدون حضور جمهوری اسلامی حل نخواهد شد. اتفاقات پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ گرچه ارتباطی به فعالیت‌های هسته‌ای نداشت لکن کشورهای غربی آشوب‌های داخلی را بهانه افزایش فشار در برنامه هسته‌ای کشورمان کردند و حمایت‌های همه‌جانبه انگلیسی- غربی از عوامل ناآرامی‌ها که اوج آن با الهام‌بخش دانستن برخی نامزدهای انتخاباتی توسط آنان علنی شد، نشان داد انگلستان و متحدان غربی در گروه ۵+۱ اغتشاشات انتخاباتی را رهیافتی برای بازگشت به شرایط گذشته یافته‌اند. سعید جلیلی، دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی ایران سه ماه پس از وقوع آشوب انتخاباتی ۸۸ بسته پیشنهادی دوم ایران را به نمایندگان ۵+۱ در تهران تحویل داد و سرانجام پس از ۱۷ ماه تعلیق مذاکرات، در مهرماه ۸۸ مذاکرات در ژنو برگزار شد که در این نشست قرار بر مذاکره پیرامون بسته پیشنهادی بود اما نمایندگان غرب به رهبری انگلیس و آمریکا بجای بسته پیشنهادی، از ایران درخواست موضوع مبادله سوخت ۳/۵ درصد، یعنی ۱۲۰۰ کیلوگرم اورانیوم ۳/۵ درصد را در مقابل ۱۲۰ کیلوگرم صفحات سوخت ۲۰ درصد برای مصارف رآکتور تهران را مورد بررسی قرار دهد که به معنای عقب‌نشینی کامل ایران در زمینه هسته‌ای بود. در نشست وین نیز یک پیش‌نویس تهیه و تحویل ایران شد و ایران در پاسخ پیش‌نویس، طی نامه‌ای اعلام کرد درباره مبادله شرایطی باید لحاظ شود: اولاً هرگونه مبادله باید همزمان انجام شود، ثانیاً باید این مبادلات در خاک ایران انجام شده و ثالثاً هرگونه مبادله باید تدریجی انجام شود؛ یعنی مبادلات در طول یک محدوده زمانی پانزده ماهه انجام پذیرد. انگلیس و غرب با تغییری کاملاً برنامه‌ریزی‌شده با هرگونه تبادل سوخت همزمان مخالفت کردند. بسیاری از تحلیلگران دلیل این رفتار را این‌گونه دانستند که انگلستان و غرب با سوءاستفاده از بحران داخلی منتج از انتخابات ریاست جمهوری، ایران را کشوری ضعیف و در آن برهه متزلزل می‌پندارد و به دنبال ایجاد فضاهایی است که ایران را به نوعی مجبور به باج‌دهی‌های کلان سیاسی کند. جالب آنکه قطعنامه ۱۹۲۹ با فشارهای فراوان انگلیس و غرب و اعطای امتیازهای فراوان به چین و روسیه در سالگرد آشوب انتخاباتی ۱۳۸۸ به تصویب رسید تا پیامی آشکار برای عوامل آشوب داخلی ایران داشته باشد (قدیریان، ۱۳۸۹: ۳۰-۵۵). کیم آر هولمز، تحلیلگر ارشد نشریه واشنگتن تایمز حدود دو ماه پیش از قطعنامه ۱۹۲۹ در سرمقاله این نشریه نوشت: «تحریم به تنهایی کافی نیست. ما باید دیپلماسی عمومی را به نقض حقوق بشر در ایران متمرکز کنیم. جمهوری اسلامی به دلیل وجود اپوزیسیون داخلی دچار نقاط ضعف شده و باید بر این نقطه فشار وارد کرد». روزنامه غربی «ولت» نیز چند هفته قبل از

تحریم ۱۹۲۹ نوشت: «توان گروه‌های اپوزیسیون ایران برای تغییر رفتار مقامات این کشور کافی نیست به همین علت است که غرب باید همزمان تهدیدهای چندباره خود در اعمال تحریم‌های سخت علیه ایران را در پیش بگیرد» (امامی، بی تا: ۱۸-۱). برخی از سران سیاسی انگلستان و غرب در نشستی در بحرین قبل از مذاکرات اکتبر ۲۰۰۹ در ژنو بدین جمع‌بندی رسیدند که اگر مذاکرات ژنو موفقیت‌آمیز نباشد و در آن پیشرفتی حاصل نشود، قصد دارند همزمان با تشدید تحریم‌ها، اعمال فشار سیاسی علیه تهران را با حمایت رسمی، علنی و گسترده از آشوب‌گران در داخل ایران وسعت بخشد چراکه هیچ فشاری به دولت ایران بدون تقویت جریان‌های طرفدار غرب در ایران کارساز نیست. آنان در برخی از سخنانشان بر این عقیده بودند: «همین حالا هم این موضوع پنهانی نیست که ما از جریانات مخالف داخل ایران حمایت می‌کنیم اما علنی شدن این حمایت همزمان با اعمال تحریم‌ها می‌تواند این فایده را داشته باشد که مردم ایران به این نتیجه برسند که تنها راه رهایی از تحریم‌ها گرایش به این افراد است. قطعنامه ۱۹۲۹ در واقع اقدام علنی بریتانیا و غرب در حمایت از بحران سیاسی منتج از انتخابات سال ۸۸ بود»^۱.

*تغییر رفتارهای دیپلماتیک انگلیس، آمریکا و غرب در قبال ایران (چالش‌های مسالمت‌آمیز)

با روی کار آمدن دولت نهم، برخی عناصر جوهری مکتب سیاسی و مشی اصول‌گرایانه معمار انقلاب اسلامی در ادبیات و سیاست‌های دولت در مواجهه با انگلیس و غرب، احیا گردید و این روند در موضوع هسته‌ای بیشتر نمایان بود که گام‌های توسعه برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای با تدابیری ویژه و روندی شتاب‌زا برداشته شد تا شاهد تغییراتی در قبال ادبیات سیاسی غرب در مقابل ایران باشیم. برخی مقامات غربی و کهنه کاران سیاست خارجی انگلستان و آمریکا، در اظهارنظر خود بر کوتاه آمدن در مقابل ایران تأکید کردند که این روند تا آستانه انتخابات دهم به‌طور واضح قابل رصد بود که در ادامه به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود. برژینسکی مشاور سابق امنیت ملی آمریکا، در گفتگو با مجله آلمانی اشترن در پاسخ به این سؤال که آیا او با ما رئیس‌جمهور یک ابرقدرت روبه‌زوال است گفت: «واقعیت این است که دوران حماقت ابرقدرتی آمریکا به پایان رسیده است، درباره ایران و برنامه هسته‌ای ایران نیز ما به رویکرد واقع‌گرایانه، منعطف‌تر و منطقی‌تر نیازمندیم. ما باید مذاکره کنیم، ما ممکن است حتی بدون پیش‌شرط مذاکره کنیم. رویکرد موفقیت‌آمیز برای ایران باید با منافع امنیتی تهران و

۱. در این رابطه رجوع شود به: فتنه ۸۸ و تغییر محاسبات غرب درباره ایران هسته‌ای، سایت بولتن نیوز، ۲۰ فروردین ۱۳۹۱.

واشنگتن منطبق باشد». براندازی نظام جمهوری اسلامی همواره راهبرد اصلی انگلیس و آمریکا و دیگر هم‌پیمانان غربی علیه جمهوری اسلامی ایران بوده است اما ناکامی‌های پی‌درپی، این جوامع را وادار کرد که راهبرد تعدیل و تغییر رفتار را ترجیح دهد و این در حالی است که التهاب سیاسی در انتخابات سال ۱۳۸۸ سبب گردید تا انگلیس و غرب تصور کنند فرصت برای بازگشت به راهبرد اصلی و احیاناً تحقق آن فرارسیده است لذا با آغاز تحرکات خیابانی و آشوب‌های پس از انتخابات ۸۸ در تهران، به حمایت صریح از آن پرداختند. اواما چند روز پس از انتخابات ریاست جمهوری گفت: «من درباره وقایع ایران نمی‌توانم سکوت کنم و عمیقاً نگران خشونت‌ها هستم و هیچ راهی برای تأیید صحت انتخابات ایران وجود ندارد جهان بدون در نظر گرفتن نتیجه انتخابات، نظاره‌گر وقایع ایران است و از مشارکت مردمی الهام گرفته است؛ ما دیپلماسی سرسختانه‌ای را در قبال ایران دنبال خواهیم کرد». وی در مصاحبه با سی بی اس گفت: «صدای مردم ایران باید شنیده شود و نباید خاموش شود، من قبلاً هم گفته‌ام عمیقاً نگران انتخابات ایران هستم، ما از کسانی که در پی عدالت از یک راه مسالمت‌آمیز هستند پشتیبانی می‌کنیم و من می‌خواهم تکرار کنم که ما در کنار کسانی که متوجه راه‌حلی مسالمت‌آمیز برای این کشمکش خواهند بود، می‌ایستیم». (اسماعیلی، ۱۳۹۱: ۴۰۱).

این رویه نشان می‌دهد که بحران سیاسی منتج از انتخابات سال ۸۸ و بازیگران داخلی این ناآرامی، دست کم امید تزلزل و لغزش‌های سیاسی در داخل را برای استعمار انگلیس و غرب ایجاد نمودند که چه برای راهبرد میانی (تغییر رفتار) و چه برای راهبرد اصلی (تغییر نظام)، باید بر پتانسیل ایجاد شده تمرکز نموده و آن را ارتقا بخشید. در مقطع مذکور با توجه به توالی سریع اتفاقات و نیز با توجه به این‌که سفارت انگلستان یگانه پایگاه رسمی نفوذ در درون جمهوری اسلامی بود، نقش این سفارت بسیار مورد توجه و محل اثرگذاری واقع شد. در پی تحولات سیاسی ایران، دولت‌های غربی به این باور رسیده‌اند که آنتی‌تز انقلاب اسلامی را باید در همین ساختار موجود سیاسی و از داخل تجدیدنظرطلبان مدعی انقلاب اسلامی جستجو کرد. به‌ویژه این سیاست در دستور کار دولت انگلستان که در گذشته همواره برخورد و براندازی سخت نظام جمهوری اسلامی را رد کرده بود، قرار گرفت که شاید علت این امر نداشتن یک جایگزین برای نظام ایران از نظر آنان بوده است (اخوان، ۱۳۸۹: ۸۷-۱۱۴). این رویکرد که منافاتی با پذیرش و تعامل با جمهوری اسلامی ندارد بر این نکته تأکید دارد که تهدید اصلی نظام را بایستی از درون سامان داد و هرگونه تهدید خارجی باید نقش مکمل و تسهیل‌کننده تهدید داخلی را داشته باشد؛ لذا همراه کردن مستقیم یا غیرمستقیم احزاب درون نظام در چارچوب پروژه‌های مبارزات مدنی و گذار به دموکراسی با همکاری مرکز مطالعات دموکراسی انگلستان

و حضور شخصیت‌هایی نظیر جان کین،^۱ مؤثرترین متفکر بر تئوری سیاسی انگلیس، بیش از همیشه موضوعیت یافته‌اند (فضلی‌نژاد، ۱۳۸۸). در این میان سفارت انگلستان نقش برجسته را به خود می‌گیرد و در قضایای انتخابات ۸۸ و التهابات پس از آن، این نقش از وظایف فرهنگی و زمینه‌سازی جنبه عملیاتی و اجرایی به خود بگیرد. در اواخر سال ۸۷ از سوی دولت انگلستان دستورالعملی شامل ۱۸ بند در خصوص انتخابات در ایران صادر می‌شود که ضمن تقسیم کار در خصوص انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری، نقش حوزه‌های مختلف نظام مورد توجه قرار گرفته بود (اخوان، ۱۳۸۹: ۱۲۸-۱۴۷). بخش سیاسی سفارت با حضور و آرایشی منظم از کارمندان محلی و دیپلمات‌های توانمند از اواخر فروردین ۸۸ سازمان‌دهی، تقسیم وظایف شده و جهت انجام جمع‌آوری اطلاعات و اخبار از موضوعاتی چون دیدگاه‌های مسئولین نظام، نمازهای جمعه، صدا و سیما، سپاه و بسیج و نظرات فرماندهان عالی‌رتبه، مساجد، محافل سیاسی، نشریات و روزنامه‌ها و سایت‌های اینترنتی، شاخص‌های اقتصادی، بازار و تجارت و حضور در جوامع روستایی، اقدام نمودند.

* رشد تحرکات ضد ایرانی کشورهای منطقه خلیج فارس (چالش‌های مسالمت‌آمیز)

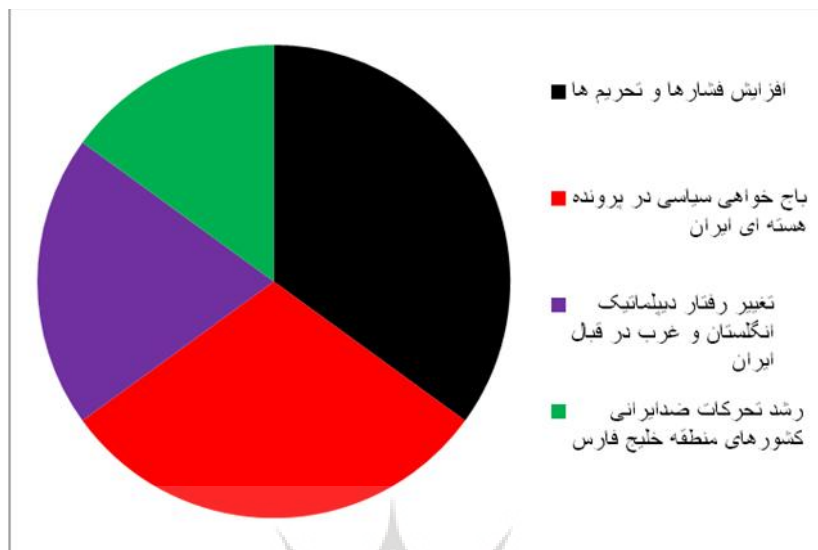
از دیگر پیامدهای سیاسی بحران‌ساز حضور انگلستان در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸، تهییج دوباره اعراب حاشیه خلیج فارس و طرح مجدد حاکمیت بر جزایر سه‌گانه است. واقعیت این است که در روابط پرچالش میان ایران و اعراب هرگاه دولت مرکزی ایران به نحوی با بحران‌های سیاسی مواجه بوده است (همچون التهابات انتخاباتی سال ۱۳۸۸) شرایط در راستای تحرکات ضد ایرانی اعراب مهیا می‌شده است. این امر از هنگام تشکیل شورای همکاری خلیج فارس در دوران جنگ تحمیلی و صف‌آرایی در کنار عراق در مقابل ایران، شروع و تاکنون ادامه دارد. پس از جنگ، هرروز شاهد پیشرفت‌های جدیدی در حوزه‌های مختلف در ایران بوده‌اند. موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران و روند فزاینده قدرت ایران در معادلات امنیتی منطقه، بر تعدیل رفتار و مواضع آن‌ها تأثیرگذار بود (مجتهد زاده، ۱۳۷۶: ۴۵-۶۸).

یکی دیگر از پیامدهای اغتشاش ۱۳۸۸، احیای خصومت دیرینه سران عرب کشورهای حوزه خلیج فارس بود. آن‌ها التهابات انتخاباتی سال ۱۳۸۸ را فرصتی برای جبران ناکامی‌های گذشته خود یافتند؛ لذا به شیوه‌های مختلف به حمایت‌های پنهان و آشکار از جریان مذکور پرداختند. بنا به گفته یکی از فعالان اصلاح‌طلب در جریان سفر به یکی از کشورهای حاشیه خلیج فارس، شیخ‌نشینان

برخی از این جوامع، مبلغی را به‌عنوان کمک به برنامه تبلیغاتی اصلاح‌طلبان اختصاص داده است.^۱ با انتشار خبر مربوط به نشست موسوم به الجنارديه در عربستان و کمک ۱۸ میلیون دلاری به طیف اصلاح‌طلبان خارجه‌نشین که با تحریک مستقیم انگلستان و آمریکا صورت گرفت، از ادامه تلاش‌های عربستان بر علیه ملت ایران و حمایت از جریان انتخابات سال ۱۳۸۸ پرده برداشته شد. نشست الجنادره از سوی گارد ملی عربستان برگزار شده بود.^۲ همچنین، با ایجاد تزلزل و نیز بی‌ثباتی نسبی حاصل از اغتشاشات انتخاباتی در ایران، دوباره بحث‌ها در خصوص جزایر سه‌گانه ایرانی محور جنجال آفرینی گردید. اگرچه شیوخ عرب حوزه خلیج فارس همواره در مورد مسائلی چون ادعای امارات دارای موضع بودند اما بعد از انتخابات، شاهد اوج‌گیری مواضع و رفتارهای تهدیدآمیز بودیم (هاشمی مقدم، ۱۳۸۸: ۴۲-۵۱). وزارت امور خارجه امارات در اظهاراتی تهدیدآمیز، وضعیت جزایر سه‌گانه ایرانی را اشغالی توصیف کرد و گفت: «این وضعیت در روابط ایران با کشورهای عربی همسایه خود تأثیر منفی دارد. امیدواریم طرف ایرانی به این موضوع و این اختلاف و این اشغال نه تنها به‌عنوان مانعی در برابر بهبود و گسترش روابط با امارات بلکه به‌عنوان مانعی در برابر روابط کشورهای عربی با ایران بنگرد. به سود همه، ایران و کشورهای عربی است که این اختلاف حتماً می‌بایست به صورت مسالمت‌آمیز و عادلانه پایان یابد». برخی رسانه‌ها اعلام کردند که امارات برای گرفتن جزایر سه‌گانه از ایران، مزدور استخدام کرده است. روزنامه نیویورک تایمز، در گزارشی از تشکیل یک گردان ۸۰۰ نفره از نیروهای خارجی برای امارات عربی به منظور دفاع از این شیخ‌نشین در برابر حملات خارجی و همچنین اشغال جزایر سه‌گانه ایرانی ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک خبر داد. این مأموریت را ولیعهد امارات به اریک پرینس مؤسس شرکت بلک واتر داده است. این شرکت، عده‌ای از کلمبیائی‌ها را تحت عنوان کارگران ساختمانی وارد امارات کرده اما در حقیقت، آنها سربازان یک ارتش مخفی انگلیسی-آمریکایی که توسط مزدوران هدایت می‌شود و متعلق به اریک پرینس مؤسس بلک واتر است، هستند. چنین رفتارها و موضع‌گیری‌هایی که پس از التهاب سال ۱۳۸۸ روند افزایشی داشته به معنای این است که برخی از دولت‌های منطقه با نگاه به داخل ایران و حرکت‌های ناآرام مذکور بدین جمع رسیده‌اند که می‌توانند با استفاده از این فرصت‌ها قدرت‌یابی جمهوری اسلامی ایران را چه در بعد قدرت نرم و چه از نظر قدرت ژئوپلیتیکی و راهبردی مانع خواهند شد (قنبری، ۱۳۹۰: ۲۰۰-۲۷۳).

۱. سخنان محمدعلی ابطحی، وی که پس از آشوب‌های انتخاباتی سال ۱۳۸۸ بازداشت شده بود اعتراف کرد که در برخی از سفرهای منطقه‌ای پیش از انتخابات سال ۱۳۸۸، مبالغ هنگفتی را از برخی از جوامع شیخ‌نشین خلیج فارس در راستای پیروزی دریافت کرده‌اند.

۲. در خصوص تحرکات عربستان سعودی و نیز برخی دیگر از شیخ‌نشینان خلیج فارس در حمایت و دخالت در انتخابات سال ۱۳۸۸ رجوع شود به: خبرگزاری فارس، ۹۰/۱۱/۲۸.



(۱) نمودار دایره‌ای بازخورد حضور انگلستان در التهابات انتخاباتی سال ۸۸ بر جامعه ایران در ابعاد خارجی بر حسب شدت تاثیرگذاری بر جامعه ایران

بازخورد تبعات منفی سیاست‌های مداخله‌جویانه انگلیس در انتخابات سال ۱۳۸۸ در بعد داخلی

بازخوردهای منفی حضور انگلستان و تأثیرات آن در انتخابات سال ۱۳۸۸، ابعاد داخلی نیز دارد. ابعادی که بسان ابعاد خارجی ذیل آخرین مرحله از تحلیل جامعه‌شناسی تاریخی قرار می‌گیرد. در این میان، مواردی همچون خدشه‌سازی به قانون اساسی ایران، ایجاد ساختار شکنی‌ها و القای تشویش‌های ذهنی، افزایش دشمنان انقلاب به براندازی نظام اسلامی، ایجاد شکاف‌های عظیم هویتی در میان جامعه، خسارت‌های فراوان اقتصادی، ایجاد نگرانی در میان وفاداران به انقلاب را می‌توان ذکر نمود که در ادامه به بررسی هر یک خواهیم پرداخت و در نهایت با توجه به میزان و شدت تاثیرگذاری و تخریب در جامعه ایران به ترسیم نمودار دایره‌ای در این خصوص مبادرت خواهیم نمود.

الف) اقدامات غیرقانونی در راستای خدشه‌دار نمودن قانون اساسی (چالش‌های مسالمت‌آمیز و خشونت‌آمیز)

نخستین بازخورد داخلی التهابات انتخاباتی سال ۱۳۸۸ از سوی بریتانیا و دیگر حامیان غربی را

می‌توان خدشه به نظام قانونی ایران دانست. در این میان، یکی از نهادهایی که هدف جریان اغتشاشات قرار گرفت، شورای نگهبان بود و بر اساس اصل ۹۹ قانون اساسی، مرجع قانونی و مکانیزمی که برای نظارت بر انتخابات و صیانت از آرا در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی شده است، شورای نگهبان و ساختار و سازوکارهای مرتبط با آن است. البته به جز دوره اول ریاست جمهوری که شورای نگهبان هنوز تشکیل نشده بود، کلیه روسای جمهور و جناح‌های سیاسی که در جمهوری اسلامی ایران از طریق انتخابات به قدرت رسیدند، به پشتوانه همین شورا بوده است. زیر سؤال بردن شورای نگهبان، ماه‌ها قبل از خرداد ۱۳۸۸، از سناریوی تشکیک در سلامت انتخابات رقم خورد. انگلیس به همراه غرب در طراحی سناریو در راستای خدشه‌سازی قانونی ایران، گام بعدی را در ایجاد یک تشکیلاتی غیرقانونی برداشتند و با اعلام اسم رمز آشوب (تقلب)، مأموریت اصلی خود را به اجرا گذاشت و با اعلام ابطال انتخابات و اصرار بر برگزاری مجدد آن، بیانیه‌های فراخوان برای اردو کشی خیابانی و اغتشاشات را صادر کردند (چالش‌های خشونت‌آمیز). اگرچه شورای نگهبان همواره در هر دوره از انتخابات، البته با شدت و ضعف‌هایی، قبل و پس از برگزاری انتخابات، آماج نقدها و هجمه‌هایی قرار می‌گرفته است، اما آنچه که در سال ۱۳۸۸ در این رابطه رخ داد، در نوع خود بی‌سابقه بوده است، به عبارت دیگر بدعتی گذاشته شد و بدیلی برای شورای نگهبان خلق کردند. بر اساس تجربه کودتاهای رنگین، انتخابات خصوصاً انتخابات ریاست جمهوری همچنان بهترین بستر پیاده‌سازی چنین کودتایی محسوب می‌شود که در واقع، اغتشاشات سال ۱۳۸۸ نیز با راهکارها و مختصاتی از کودتای مخملی آغاز گردید که رویکرد نخست آنان هجمه به مشروعیت نهادهای قانونی بود که با بی اعتبار ساختن نهادهای مذکور، سعی در اثبات بی اعتمادی و القای این موضوع در اذهان عمومی و حتی ساختارهای بین‌المللی داشتند.

ب- ساختار شکنی و القاء تشویش و تردیدهای ذهنی (چالش‌های مسالمت‌آمیز)

ایجاد تشویش و تردید نسبت به برخی آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی، اصول مسلم و متقن قانون اساسی، خط امام خمینی (ره)، یکی از دیگر از پیامدهای آشوب انتخاباتی سال ۱۳۸۸ بود. القانات جریان اغتشاش از سوی بریتانیا و دیگر هم‌پیمانان غربی، اذهان عمومی را مشوش کرد و دست کم در بین بخشی از مردم تاثیرگذار بوده است، خصوصاً در بین نسلی که با مبانی، منابع، فرآیندها و سوابق کمتر آشنا بوده‌اند، یا نسبت به ماهیت و اهداف پدیده‌های سیاسی و شیوه‌ها و پیامدهای آنها، دارای آگاهی‌های سیاسی کافی نبوده و از امور سیاسی و قدرت تحلیل سیاسی لازم برخوردار نیستند. به کار بردن شعارهای ساختار شکن، تلاشی برای از

بین بردن مرزها و حرمت‌ها و عبور از خط قرمزها بود. در واقع مخالفت صریح با میثاق ملی و اصول مسلم آن بوده است و صرف نظر از اینکه حمایت از مستضعفان و مسلمانان یک نگرش آرمانی انقلابی ملت ایران، مبنای فطری بشری و باور دینی مردم مسلمان ایران است، حمایت از مبارزات حق طلبانه در جهان در قانون اساسی جمهوری اسلامی تصریح شده است. بند ۱۶ از اصل سوم بر تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان، تأکید نموده و اصل ۱۵۴ نیز تصریح می‌کند که: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد؛ بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند». دعوت مسلمانان و مستضعفان به خیزش و قیام علیه نظام سلطه و مستکبران، یکی از راهبردهای حضرت امام (ره) بود که تحت عنوان صدور انقلاب اسلامی چه در زمان حیات مبارک ایشان و چه در دوره زعامت رهبر فرزانه انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) همواره دنبال شد و نهضت بیداری اسلامی در منطقه و روند معنویت‌گرایی در جهان اکنون خود را مدیون امام (ره) و رهبر (مدظله‌العالی) و ملت انقلابی ایران می‌داند. شعار «نه غزه - نه لبنان»، مخدوش کردن این منطق و خط مشی و آثار و دستاوردهای آن بود. طراحی ساختار شکنی‌های مذکور، جمهورییت نظام را نیز نشانه رفت و در واقع یکی از وجوه بارز پیامد آشوب سال ۱۳۸۸، تشکیک در جمهورییت نظام و زیر سؤال بردن ساختار انتخاباتی کشور بود.

ج- افزایش امید دشمن به بی‌ثبات سازی سیاسی در ایران (چالش‌های مسالمت‌آمیز)
بی‌ثبات سازی جمهوری اسلامی ایران بی‌گمان از نخستین و مهمترین اهداف جنگ نرم بریتانیا و غرب علیه ایران بوده است، التهاب انتخاباتی سال ۱۳۸۸ هنگامی رخ داد که جمهوری اسلامی ایران در دو سوی مرزهای خود شاهد نظامی‌گری‌های وسیع بریتانیا و هم پیمان همیشگی اش یعنی آمریکا و ناتو و رژیم‌های وابسته به آن در منطقه خاورمیانه بود (یزدانی و تویسرکانی، ۱۳۹۰: ۱۵۵-۱۸۵). عراق و افغانستان در مرزهای غربی و شرقی به اشغال آنها در آمده بود و تحرکات فزاینده آمریکا در شیخ‌نشین‌های عرب حوزه خلیج فارس و کشورهای همسایه شمالی ایران، تلقی نوعی تلاش برای محاصره را تداعی می‌کرد که در اوج فضای ملتهب در منطقه، جمهوری اسلامی ایران به اعتراف دوست و دشمن، باثبات‌ترین کشور خاورمیانه شناخته می‌شد. با وجود تهدیدها و تحریم‌های گسترده، ثبات سیاسی مستقر و هرروز

بر توانمندی ایران در ابعاد فناورانه، اقتصادی، نظامی و سیاسی افزوده می‌شد، روند تاثیرگذاری ایران بر معادلات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نیز غیرقابل انکار بوده است. همچنین، یکی دیگر از پیامدهای بحران سیاسی منتج از انتخابات این بود که بریتانیا و غرب را به این باور رساند که اگر راهکار ایجاد و تقویت گروهک‌های تروریستی نتوانست راهبرد بی ثبات‌سازی را در ایران عملیاتی کند، جریان‌ات آشوب و ناآرامی‌ها ارزش سرمایه‌گذاری دارد و این ظرفیت را خواهد داشت که بی ثبات‌سازی را فراتر از راهبرد تغییر رفتار بلکه در واقع تغییر نظام دنبال کند البته اقدامات تروریستی و فعالیت گروهک‌هایی چون ریگی، نه تنها کنار گذاشته نشد بلکه وارد فازهای جدیدی نیز شد و با هدایت و آموزش سرویس اطلاعاتی بریتانیا و رژیم صهیونیستی و همکاری برخی کشورهای همسایه تا ترور نخبگان و دانشمندان هسته‌ای ادامه یافت اما با این حال، به باور دشمنان، جریان انتخابات مذکور این پتانسیل و توانایی را دارد که تحت حمایت برخی شخصیت‌های دارای سابقه مثبت در انقلاب و مدیریت نظام در سال‌های متممادی، به سرعت بتواند شکاف اجتماعی ایجاد کند و آشوب را با سرعت فراگیر نماید (زمانی محبوب، ۱۳۹۰: ۱۰۴-۱۲۰).

د- شکاف‌های عمیق اجتماعی- سیاسی در میان ملت (چالش‌های مسالمت‌آمیز و خشونت‌آمیز)

واقعیت این است که نیروهای بریتانیا و دیگر هم‌پیمانان غربی در اجرای سیاست‌های عمل‌گرایانه انتخابات سال ۱۳۸۸، سعی در انشقاق نیروهای مردمی و حتی چند دستگی در میان نخبگان سیاسی و مذهبی در ایران داشتند. التهابات انتخاباتی سال ۸۸ به مثابه تردیدهایی که برای بسیاری از خواص جامعه ایجاد کرد و شکاف و دو دستگی در آنها را دامن زد، در ابتدای فراخوانی‌های خود بین اقشار مختلف مردم نیز همین کارکرد را به نوعی برجای گذاشت بنابراین در اولین فراخوانی غیرقانونی در روز ۲۵ خرداد در تهران، شاهد حضور برخی از آشوبگران در خیابان‌های تهران بوده که در نهایت، آشوبگران و رای خسارت‌های اقتصادی، شرایط را در راستای بی‌ثباتی سیاسی کامل از نوع چالش‌های خشونت‌آمیز، بدان‌سان که ساندرز تبیین نموده بود، به پیش بردند (چالش‌های خشونت‌آمیز). عناصر سازمان‌دهی و یا به عبارتی دیگر، مزدوران انگلیسی- غربی هجوم گسترده‌ای را به مردم آغاز کردند و به ضرب و شتم مردم پرداختند که این اقدامات با تخریب اموال عمومی و دولتی، حمله به پایگاه نظامی بسیج، به آتش کشیدن مسجد، سردادن شعارهای ساختار شکن و...، ادامه پیدا کرد و تعدادی از شهروندان نیز به ضرب گلوله‌های غیرسازمانی به شهادت رسیدند و همین موضوع سبب

بحران‌های سیاسی بسیار گسترده‌ای گردید (چالش‌های مسالمت‌آمیز و خشونت‌آمیز)؛ اما نکته‌ای در این رابطه حائز اهمیت است، گسترش این دو دستگی و رسوخ دامنه شک و تردیدها، حتی به درون خانه و بین اعضای خانواده‌ها بود که آسیب ناشی از آن را نمی‌توان انکار کرد و این آسیب، حتی در میان سطوح مختلف افراد در ادارات، سازمان‌ها و نهادها نیز قابل مشاهده بود. یکی از کارکردها و آثار این شکاف در بین ملت، مخدوش کردن روحیه و وحدت ملی و خراش دادن اعتماد عمومی نسبت به نظام و کارآمدی آن بود و بدیهی است که هزینه‌ای که جریان استعمار بریتانیا و دیگر مزدوران از این ناحیه تحمیل کردند، بسیار سنگین بوده و بازسازی آن کار راحتی نخواهد بود. این دقیقاً نادیده گرفتن وصیت امام خمینی (ره) بود که فرمودند: «بی تردید رمز بقای انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است و رمز پیروزی را ملت می‌داند و نسل‌های آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن اصلی آن: انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد»^۱.

ه- خسارت‌های فراوان اقتصادی ناشی از التهاب انتخاباتی (چالش‌های خشونت‌آمیز)

شاید خسارات وارده از سوی جریان انتخابات سال ۸۸ در اغتشاشات خیابانی به اموال عمومی، سازمان‌های دولتی و بانک‌ها، در مقابل هزینه‌های کلان اقتصادی ناچیز باشد. یکی از اصول مسلم و پذیرفته شده در موضوع سرمایه‌گذاری در کشور، ضرورت ثبات سیاسی، امنیت و آرامش است. اغتشاش سال ۸۸ این کارکرد را داشت که تردیدها را در سطح داخلی و منابع خارجی برای اطمینان از سرمایه‌گذاری و حفظ سرمایه را دست کم برای مدتی زیاد کرد (قدیریان، ۱۳۸۹: ۸۵-۹۰). یکی از چهره‌های اقتصادی کشور، با اشاره به ابعاد، آثار و پیامدهای آشوب انتخابات در سال ۸۸ در عرصه اقتصادی کشور می‌گوید: «یکی از اثرات ناآرامی‌های حاصل از انتخابات در کوتاه مدت این بود که بازار ما را تعطیل کرد و با توجه به اینکه این بیشتر ابعاد ناآرامی‌ها در تهران بود تعطیلی بازار تهران به مدت یک هفته و حالت نگرانی که مردم داشتند یکبار روانی برای مبادلات تجاری بود. جریان سیاسی مذکور، موقعیت سیاسی جمهوری اسلامی را از آن حالت بالا و رفیعی که در منطقه و جهان به دست آورده بود را افت داد و این افت موقعیت، دشمنان جمهوری اسلامی را راضی‌تر و به‌نوعی ددمنش‌تر کرد، به آنها این فرصت را داد که تحریم‌های ما را تشدید کنند، با این تصور که تشدید این تحریم‌ها، بحرانی که پدید آمده دامنگیر خواهد شد و ضربه کاری را به نظام جمهوری اسلامی خواهند

۱. معنویت‌گرایی رمز بقای انقلاب اسلامی، فرازی از وصیت‌نامه امام (ره).

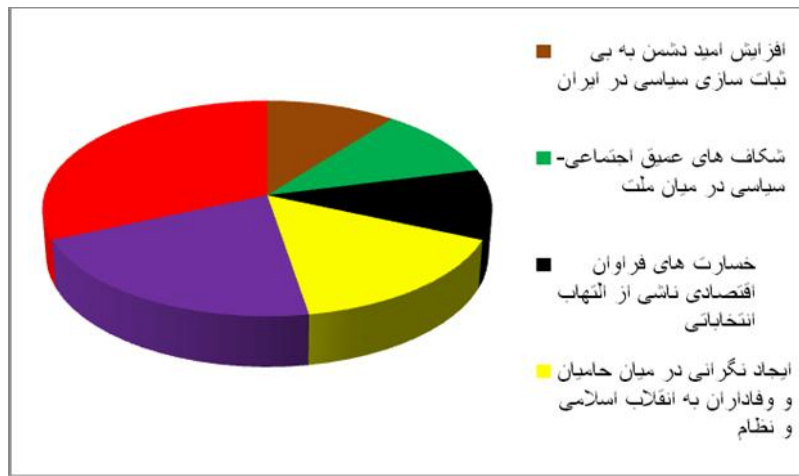
زد و سرمایه‌گذاری‌های خارجی از آن به بعد آن روند رشدی را که طی می‌کرد دیگر طی نکرد و متوقف شد، البته هنوز کم و بیش سرمایه‌گذاری‌هایی صورت می‌گیرد ولی نه به شکل گذشته و آن شرایطی که ما با توجه به موضع خوب سیاسی و اقتصادی برای آنها داشتیم و اینها را باید حاصل کارکرد ناآرامی‌ها و اغتشاشات و جریان مذکور در انتخابات دانست و معتقدم اگر این جریان نبود ما سرمایه‌گذاری‌های خارجی را در پروژه عسویه به صورت بسیار دامنه‌دارتری داشتیم. ما تهدیدات انگلستان و اروپا و آمریکا و امثال آن و همچنین تحریم‌ها را هرگز نمی‌داشتیم چون آنها وقتی بینند ملت ما پشت نظام و به صورت یکپارچه در عرصه مدیریت کشور هستند یک چنین اقدامات نامبارکی را نمی‌کنند و با توجه به رفتار آشوب‌گران هنگامی که دیدند گویی این نظام بخشی از پشتوانه خود را از دست داده است به خود اجازه انجام اموری مانند تحریم و تهدید را دادند. آشوب‌گران هیچ پایگاه اجتماعی نداشتند و کذب بزرگ را به مردم القاء کردند. بحران سیاسی ناشی از انتخابات، هم عواقب سیاسی داشت و هم تبعات اقتصادی که توانستیم به یاری خدا حتی به جایگاه رفیع تری هم از موضع پیشین دست پیدا کنیم» (امامی، ۱۳۹۱).

ی- ایجاد نگرانی در حامیان و وفاداران به انقلاب اسلامی و نظام (چالش‌های مسالمت‌آمیز)

جمهوری اسلامی ایران، در طول سه دهه، به‌عنوان کانون عدالت‌خواهی و استکبارستیزی شناخته شد. ایران به‌عنوان ام‌القرای جهان اسلام، بر اساس مکتب سیاسی امام و رهبری و اصول قانون اساسی، الهام بخش بیشتر حرکت‌های رهایی‌بخش و نهضت‌های اسلامی بوده و از آنها به شیوه‌های ممکن حمایت نموده است. آشوب انتخاباتی سال ۸۸ در زمانی رخ داد که جریان مقاومت در منطقه و به‌طور مشخص، حزب‌الله لبنان و گروه‌های جهادی فلسطین در خط مقدم این جریان، پیروزی در دو جنگ ۳۳ روزه لبنان و ۲۲ روزه غزه، پیروزی‌های بزرگی کسب کرده بودند و جریان استعماری غرب را با شکست مواجه نمودند. آنها با حمایت‌های ایران توانسته رژیم صهیونیستی را به شکست و عقب‌نشینی وادار کنند. موضوع دیگر، موج بیداری اسلامی منطقه بود که می‌توان بخش وسیعی از آن را ملهم از انقلاب و مقاومت جمهوری اسلامی دانست (خواجeh سروی، ۱۳۹۱: ۹۸-۱۰۸)، در آستانه حذف انگلستان و غرب و تشکیل دولت‌های اسلامی با الگوی ایرانی قرار داشت. درچنین شرایطی، ایران با جریان انتخابات به صحنه آشوب تبدیل شد. پیامدهای بحران منتج از انتخابات سال ۸۸ برای جریان مقاومت و موج بیداری اسلامی از دو منظر مهم بود. نخست، نگرانی آنها از اینکه ام‌القرای جهان اسلام و

بیداری اسلامی، درگیر جنگ نرم تمام عیاری از سوی نظام سلطه و بازیگران داخلی شده بود و فرافکنی رسانه‌های استکباری نیز بر دامنه این نگرانی می‌افزود. دوم، ایران و الهام بخشی آن، مردم سالاری دینی بود. تلاش جنبش‌های اسلامی منطقه برای سرنگونی دیکتاتورهای حاکم و جایگزینی الگوی مردم سالاری دینی در کشور خود بوده است، اما انتخابات ریاست جمهوری که بستری برای تحقق و تثبیت مردم سالاری دینی به شمار می‌رود از سوی جریان مذکور به چالش کشیده شد (زابلی زاده، ۱۳۹۰: ۹۳-۹۸). همان‌طور که اشاره گردید، در بررسی شرایط و روند تحولات کنونی، آثار ناآرامی‌های مربوط به انتخابات سال ۸۸ چه در محیط داخلی و چه در محیط خارجی کاملاً قابل شناسایی است. این موضوع که التهاب انتخابات سال ۸۸ را از حیث کارکردها و پیامدهایش خاتمه یافته تلقی کنیم، بنظر ساده‌لوحانه خواهد بود. بازخوانی تهدیدات و توطئه‌های سیاسی کم و بیش وسیع سی و هفت ساله اخیر در ایران، بر ضرورت هوشیاری و واقع بینی در این زمینه تأکید دارد. تضمینی وجود ندارد که عناصر و بازیگران ناآرامی‌های گذشته، با مختصات و آرایشی جدید در آینده، بازگشت نکنند با این حال بنظر می‌رسد، تنها راه در امان ماندن از اغتشاشات و یا کاهش هزینه‌ها و آسیب‌ها، بصیرت نافذ انقلابی و عبرت‌آموزی از رویدادهای گذشته است. چنانکه آیت الله خامنه‌ای در اواخر سال ۱۳۸۹ در تحلیل التهاب انتخاباتی ۸۸ فرموده بودند: «اگر قبول داریم که جبهه دشمن برای کشور ما و انقلاب ما برنامه‌ریزی بلند مدت دارد. پس ما هم باید برنامه‌ریزی بلند مدت داشته باشیم ... همین حوادثی هم که گاهی می‌بینید در کشور اتفاق می‌افتد که دست بیگانه در آن نمایان است، چیزهای دفعتاً به وجود آمده نیست، خلق الساعه نیست، اینها هم برنامه‌های میان مدت و بلندمدت بوده است»^۱.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



(۲) نمودار دایره‌ای بازخورد حضور انگلستان در انتخابات انتخاباتی سال ۸۸ بر جامعه ایران در ابعاد داخلی بر حسب میزان شدت و تاثیرگذاری

نتیجه

انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ در ایران آزمون چالش‌های سیاسی فراوانی در داخل و خارج بوده است. بازخورد چالش‌های سیاسی مزبور که نویسندگان آن را ذیل چالش‌های مسالمت‌آمیز و خشونت‌آمیز مدل بی‌ثباتی سیاسی ساندروز قرار داده‌اند، خسارت‌های فراوان سیاسی، اقتصادی و ... را در سطوح داخلی و خارجی ایران برجای گذاشته است. در این میان، نقش کشور انگلستان و سیاست‌های آن‌گلو فیللی آن تا حد بسیار زیادی برجسته و غیرقابل اغماض می‌باشد که در مقاله حاضر با استفاده از رهیافت جامعه‌شناسی تاریخی بدان پرداخته شد. در رهیافت مذکور، عواملی همچون سلسله مراتب فعالیت‌ها، ابزار، اهداف و بازخوردهای آن مدنظر می‌باشد. واقعیت این است که در انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ انگلستان در اقداماتی سلسله‌وار همچون نفوذ در میان برخی نیروهای سیاسی داخلی و ابزارهایی همچون سفارت انگلستان در تهران، رسانه‌های قدرتمند بی‌بی‌سی و سی.ان.ان و نخستین و مهم‌ترین هدف آن خدشه‌سازی به بنیان‌های مشروعیت نظام جمهوری اسلامی بوده است، اقدام به بحران‌سازی‌های سیاسی نمود که اصلی‌ترین بازخور آن در جامعه ایران ایجاد تزلزل و بحران مشروعیت در نیروهای وفادار به انقلاب و نوعی بحران هویت در میان توده‌های مردمی و انقلابی بوده است. از دیگر سو، نویسندگان بر این عقیده‌اند که با بررسی سیر بحران‌سازی‌های سیاسی انگلیس در ایران، در طول سده پیشین، می‌توان به‌نوعی آینده بحران‌سازی‌های سیاسی انگلستان را در ایران پیش‌بینی نمود. به‌عنوان مثال، رسانه بی.بی.سی از دیرباز

صبغه چنین فعالیت‌هایی در ایران داشته است و از هنگام ظهور تا سقوط پهلوی اول و دوم همواره ابزار روانی مهمی در ایجاد بحران‌سازی‌های سیاسی در ایران به شمار می‌آمده است. از دیگر سو، بیش از آنکه نیروهای خارجی و در صدر آن انگلیس فراهم‌کننده ابزارها و بسترهای نفوذ در ایران بوده باشد، این شرایط سیاسی داخل کشور بوده است که به نحوی بسترها، ابزارها، اهداف و نهایتاً بازخوردهای یک بحران سیاسی مهمی همچون التهاب انتخاباتی سال ۸۸ را در جامعه ایران مهیا نموده است. در نهایت باید افزود که نویسندگان معتقدند که انگلستان در آینده نیز از کوچکترین راه‌های رسوخ به ایران دریغ نخواهد کرد و مواردی همچون تشتت سیاسی در میان نیروهای انقلابی، اتخاذ سیاست‌های جزیره‌ای (هر دولت در ایران در صدد طرح و اجرای سیاست‌های مدنظر خود و الغای سیاست‌های دولت پیشین است)، دلزدگی نخبگان سیاسی در داخل و خارج (عامل کادرپروری انگلستان در ایران)، ضعف و فقدان نظام حزبی کارآمد و سازنده، قدرت تخریب بالای رقیبان و مخالفین در رقابت‌های سیاسی در ایران (به جای رقابت‌های سازنده) را می‌توان به منزله مهم‌ترین راه‌های نفوذ و حضور انگلستان در بحران‌های سیاسی آتی در ایران قلمداد نمود.

عوامل مؤثر در ایجاد بحران‌های سیاسی از سوی انگلستان در ایران در آینده	انطباق با نظریه ساندرز	بازخورد بر جامعه ایران
تشتت آراء سیاسی در میان نیروهای مختلف	ایجاد چالش‌های مسالمت‌آمیز و خشونت‌آمیز	ایجاد بحران ثبات و مشروعیت
اتخاذ سیاست‌های جزیره‌ای در ایران	ایجاد چالش‌های مسالمت‌آمیز	بحران ثبات و نفوذ و مشروعیت
ضعف و فقدان نظام حزبی در ایران	ایجاد چالش‌های مسالمت‌آمیز و خشونت‌آمیز	بحران توزیع و هویت
دلزدگی نخبگان سیاسی در داخل و خارج	ایجاد چالش‌های مسالمت‌آمیز	بحران توزیع و هویت

منابع

کتاب

- اخوان، محمدجواد، (۱۳۸۹)، عبور از فتنه: بازخوانی پرونده یک سال نبرد نرم، جلد دوم، تهران: سازمان بسیج دانشجویی مرکز مطالعات و پژوهش‌ها.
- اسماعیلی، حمیدرضا، (۱۳۹۱)، شورش اشرافیت بر جمهوریت، ریشه‌یابی حوادث سال ۸۸، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- امینی، پرویز، (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی ۲۲ خرداد: دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در آینه واقعیت، چاپ ششم، مشهد: آفتاب توسعه.
- تکبیری، جعفر، (۱۳۹۰)، استعمار رنگی، تهران: درک نو.
- ثابتی منفرد، میرحسین، (۱۳۹۰)، روز شمار هشت ماه نبرد مقدس: ۲۲ خرداد تا ۲۲ بهمن ۱۳۸۸، چاپ دوم، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۹)، گذر از فتنه ۸۸ (تحلیل و بررسی دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری و حوادث پس از آن)، جلد اول، چاپ دوم، تهران: اعتدال.
- خالوزاده، سعید، (۱۳۹۰)، مواضع شورای امنیت در قبال جنگ عراق و کویت، چاپ اول، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- سهراب‌پور، همت، (۱۳۸۹)، گردباد فتنه، تهران: نشر سلمان فارسی.
- قدیانی، حسین، (۱۳۸۹)، نه، ده، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- قدیریان، احمد، (۱۳۸۹)، فتنه سبز، جلد پنجم، تهران: مجتمع فرهنگی شهید آیت‌الله بهشتی.
- قنبری، امیر، (۱۳۹۰)، گروه ۵+۱ در ایران، چاپ چهارم، تهران: انتشارات حیات طیبه.
- محمدزاده، محمدجعفر، (۱۳۸۹)، روزهای انتخاب، مروری بر انتخابات دهم ریاست جمهوری، تهران: انتشارات روزنامه ایران.
- مهدی‌پور، فرشاد، (۱۳۹۰)، تقلب بزرگ، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- هاشمی مقدم، امیر، (۱۳۸۸)، جزایر سه‌گانه ایرانی خلیج همیشه فارس، نشریه کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۱۵.

مقاله

- خواجه سروی، غلامرضا، (۱۳۸۵)، «چارچوبی برای رقابت و ثبات سیاسی با نگاهی به تجربه جمهوری اسلامی»، نشریه دانش سیاسی، شماره ۳.

- خواجه سروی، غلامرضا، (۱۳۹۱)، «نسبت انقلاب اسلامی ایران با بیداری اسلامی: وجوه تشابه و تمایز»، نشریه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۲۸.
- زابلی زاده، اردشیر، (۱۳۹۰)، «بی‌بی‌سی فارسی و انتخابات ۸۸ ایران»، تهران: خبرگزاری فارس.
- زمانی محبوب، حبیب، (۱۳۹۰)، «خواص غافل از قافله عاشورا»، نشریه حصون، شماره ۳۳.
- صدقی، وحید و چراغی، مصطفی، (۱۳۹۱)، «تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران و ظرافت‌های ضد تحریم»، نشریه مطالعات منطقه‌ای، شماره ۴۷.
- مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۷۶)، «روابط ایران و اعراب خلیج فارس در پرتو مسئله ادعا نسبت به جزایر تنب و ابوموسی»، نشریه مطالعات خاورمیانه، شماره ۹.
- یزدانی، عنایت‌الله و تویسرکانی، مجتبی، (۱۳۹۰)، «تحلیلی بر رقابت ژئوپولیتیکی قدرت‌ها در بیضی استراتژیک انرژی»، نشریه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۰۳.

سایت

- جاوید، مهدی، (۱۳۹۰)، نقش دولت و رسانه‌های غربی در فتنه ۸۸، جوان آنلاین، ۳۰ خرداد.
- سخنان منوچر متکی وزیر خارجه وقت در جمع سفرای خارجی - واحد مرکزی خبر - ۳۱ خرداد ۱۳۸۸.
- فضلی‌نژاد، پیام، (۱۳۸۸)، چگونه پروژه جامعه مدنی به مبارزه مدنی تبدیل شد؟ خبرگزاری فارس، ۲۲ تیر.
- امامی، احمد، (۱۳۹۱)، آثار و پیامدهای فتنه سال ۱۳۸۸، خبرگزاری فارس.